

درس پانزدهم

کاجستان



جمع خط تلفظ

در کنار خطوط سیم پیام

رشد کردند

خارج از ده، دو کاج رویدند

جمع ساله
سالیان دراز، رهگذران عابران جمع رهگذر

آن دو را چون دو دوست می دیدند

روزی از روزهای پاییزی

زیر رگبار و تازیانه باد شلاق

یکی از کاج ها به خود لرزید

خم شد و روی دیگری افتاد

یکی از کاج‌ها به خود لرزید

خم شد و روی دیگری افتاد

گفت: «ای آشنا، بخش مرا

فکر کن
خوب در حال من، تا آمل کن ← رَدیف

ریشه‌هایم ز خاک، بیرون است

صبر، برباری

چند روزی، مرا تَحْمَل کن. ← رَدیف

کاج همسایه، گفت با نرمی: «تندی، حشوفت.

≠ دوستی را نمی‌برم از یاد،

دست می

آمل و تحمل ← قافیه
کن ← رَدیف

شاید این اتفاق هم روزی
بیلباره

ناگهان از برای من افتاد.»

مهربانی به گوش باد رسید

باد، آرام شد، ملایم شد

کاج آسیب دیده‌ی ما هم
کنا به از محکم شدن

کم کمک، پا گرفت و سالم شد.

پایین می افتاد
میوه‌ی کاج‌ها، فرو می ریخت

گرد آفتابانی

دانه‌ها ریشه می زدند آسان
ریشه زدن سه اولین مرحله‌ی رشد لیا ه

ابر، باران رساند و چندی بعد

ده ما، نام یافت «کاجستان» ...

جایی پراز درخت کاج

محمد جواد محبت





درست و نادرست

۱ باد وقتی دید که ریشه‌های کاج از خاک بیرون هستند، آرام شد. ✗ وقتی مهربانی دو کاج را دید، آرام شد.

۲ دو کاج، سال‌های سال با هم دوست بودند. ✓

۳ در یک روز پاییزی، باد شدیدی وزید. ✓

درک مطلب



۱ علت آرام شدن باد، چه بود؟ مهربانی دو کاج را دید.

۲ ده، چگونه به کاجستان تبدیل شد؟ دانه‌های درخت کاج پراکنده شدند، ریشه زدند، باران آمد و دانه‌ها رشد کردند.

۳ کاج همسایه در پاسخ به درخواست کمک دوستش چه گفت؟ بانی گفت، دوستی را از یاد نمی‌برم. محکم است.

۴ کدام بیت یا بیت‌های درس را بیشتر می‌پسندید؟ دلیل خود را بیان کنید.

۵